



بازخوانی اصول و مفاهیم زیبایی و انکاره زیباسازی شهر از منظر حکمت اسلامی

رامین خورسند^۱ | سهند لطفی^۲ | مصطفی بهزادفر^۳

چکیده

زیبایی به مثابه کیفیتی ازلی و برآمده از حقیقتی همیشگی، جزئی از خمیرمایه و سرشت پاک آدمیان بوده و هست. زیباسازی اما به فرآیندی اطلاق می‌شود که تلاشی است برای همانند کردن محیط پیرامون به آن کیفیت دست‌نیافتنی و گمشده‌ای که انسان هبوط یافته، همواره در جستجوی آن است. به این معنا، برداشتی که در اسلام از زیبایی‌ها و مصادیق زیبایی در جهان مادی وجود دارد، همواره اشارتی است به آن بعد پنهان و آن حقیقت از ازل موجود. زیباسازی شهری در برداشتهای معاصر که از آن صورت گرفته است، بهره‌مندی از پارهای کیفیت‌های ظاهری را متضمن تحقق امر زیبایی پنداشته است. حرکت از معماری و شهرسازی مبتنی بر سبک‌های برآمده از حکمت و معانی والا، به تدریج تبدیل به نوعی فرمگرایی و تقلید و بازتولید فرمها، و ترکیب و التقاط روش‌های گوناگون شکل دادن به محیط انسان‌ساخت شده است. از همین رو، گریته‌برداری از روش‌های به‌کاررفته در فرآیندهای زیباسازی، می‌تواند به خلق زیبایی منجر نگردد و طرحواره‌ای ناموزون و ناپایدار را شکل دهد که دوام و ماندگاری برایش متصور نیست و دیر نمی‌پاید. در این مقاله کوشش شده تا ضمن تبیین مفهومی زیبایی و زیبایی حقیقی، فرآیند درک و خلق زیبایی، از منظر آنچه در شهرهای سنتی اسلامی، از جزء به کل، از پایین به بالا و از خرد به کلان بر مبنای سرشت کمال‌جوی انسان و کاربست صفات و ویژگی‌های زیبای مطلق، شکل می‌گرفته و حاصل آن موجودیت زیبای شهری یکپارچه بوده است، مورد توجهی دوباره قرار گیرد و باید‌های زیباسازی شهری و عوامل ادراک زیبایی از نگاه اسلام در قالبی موجز مدون و ارائه گردد و از این رهگذار بازتعریفی از جریان زیباسازی شهری در شهرهای اسلامی حاصل آید.

کلیدواژه‌ها: زیبایی [حقیقی]؛ زیباسازی شهر؛ شهر اسلامی؛ اصول زیباسازی.

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

Ramin.khorsand70@gmail.com

۲. دانشیار، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

۳. استاد، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

مقدمه

برای پرداختن به موضوع زیبایی و زیباسازی شهرها، فراتر از برداشتی مقطعی و منطبق با شرایط عارضی، میباید نگرشی عمیقتر به وسعت تاریخ داشت و از این نگاه گسترده، به استخراج اصول و قواعدی دست زد که ممکن است بسیاری از چارچوبهای به عادت درآمده را به چالش بکشد. اهمیت تعمق در موضوع شهر و شهرسازی اسلامی را می توان از همین منظر مورد توجهی دوباره قرار داد. از آنجاکه طی مقاطع اخیر، بحث‌های مؤثری پیرامون نگرش اسلام در شکل دادن به محیط کالبدی توسط صاحب نظران مطرح گردیده است، به نظر می رسد موضوع زیباسازی شهری نیز نیازمند نوعی بازخوانی و ارزیابی دوباره باشد. بدین معنا، تفاوتی میان پرداختن به زیبایی در شهر و زیبا ساختن شهر در جریان‌های تمدن ساز تاریخ وجود داشته است. با نگاهی به سرچشمه‌های تمدن غربی و خاستگاه شهرسازی آن، یعنی یونان باستان، می توان به حضور زیبایی به مفهوم تجسد گرایانه آن پی برد (دورانت، ۱۳۶۵: ۲۴۶-۲۳۸). به عبارت دیگر، تلقی از زیبایی، ناشی از تأویل پاره‌ای باورها در قالب اشکال کالبدی و به تجسد در آوردن آن در قالب آرایه‌ها، تندیس‌ها و سردیس‌ها و حتی عناصر معماری و گونه‌گونی آن در ارتباط با انواع پیام‌رسانی‌هایی منتج از باورهای اولیه است. به این ترتیب، جریانی شکل می گیرد که در برداشتهای تمدنی پس از خود نیز، تأثیری ماندگار و همیشگی دارد و از همین روست که در نمونه‌هایی مانند روم باستانی، تلاش همه‌جانبه برای هرچه زیباتر ساختن شهر به کمک انواع عناصر معماری و آرایه‌ای، دنبال می شود و این دأب، پایه گذار مفهوم «زیباسازی شهری» می گردد (دورانت، ۱۳۶۶: ۴۲۸-۴۱۹). این جریان که در این مجال به جزئیات آن نمی توان پرداخت، دو ویژگی اصلی دارد: نخست، اینکه جریانی است برون‌گرا، عیان و مشتاق به بالیدن و خرامیدن و عرضه داشتن خویش. این همان ویژگی است که بعدها و در رجعتی به شکوه ازدست‌رفته تمدن‌های باستانی، رنسانس و دوره نوزایی آن را باز فرامی خواند و پایه گذار زیبایی شهری در دوره معاصر تمدن غربی می گردد (مامفورد، ۱۳۸۷، بخش سیزدهم: ۵۲۲-۵۱۳). دوم، ویژگی بالا به پایین یا قهری و جبری آن است، و به همین ترتیب، نیازمند صرف هزینه بسیاری است که بدون تمایل ذاتی آحاد اجتماع شهری توسط قدرت حاکم از ایشان اخذ و به مصرف این زیباسازی اقتدارگرایانه می رسد. این همان

ویژگی است که به‌ویژه در اروپای قرن هفده به بعد به‌شدت دنبال شد و در قرن نوزدهم به آمریکا نیز راه یافت (هال، ۲۰۰۲: ۱۹۷-۱۸۹).

هدف از بیان موجز این مفهوم‌شناسی پایه، رسیدن به این نکته اساسی است که در نگرش مبتنی بر اصول اسلام، تفاوتی تام با این انگاره زیبایی‌شناسانه غربی وجود دارد. برداشت اسلامی از زیبایی‌شناسی شهری، مبتنی بر دو اصل اساسی است: نخست، زیبایی امری است مستور و مستتر، پیچ‌درپیچ و یافتنی و کشف کردنی. از همین رو، شهر اسلامی در جستجوی عرضه عیان زیبایی و عناصر زیباکننده نیست؛ برعکس، زیبایی مثال ارزش و حقیقتی مکتوم در لایه‌های پرشمار شهر است، و از پی ارتباطی نزدیک با شهر، قابلیت ظهور و دریافت می‌یابد. دوم، جریان تعهد شهروند به رعایت و تعریف زیبایی در خردقلمرو عملکردی خودش است. بدین ترتیب، سلسله‌مراتبی از زیبایی، از کوچکترین مقیاس تا مقیاس شهر، تکوین می‌یابد که هر عضو از اجتماع شهری، جزئی از جریان یکپارچه زیبایی‌گرایی در شهر و زیباسازی شهر خواهد بود. پس می‌توان دریافت که جریان زیباسازی در این جهانی، جریانی از پایین به بالاست. علیرغم دریافت اولیه‌ای که ممکن است از آثار شهرسازی دوره‌هایی خاص از تمدن اسلامی، و تأکید بر مقیاس وسیع و زیبایی مسحورکننده وجود داشته باشد، اما جستجو در فرآیند و شیوه شکلگیری هر کدام از این آثار نیز، بیان‌کننده آمادگی اجتماعی و رغبت و خواست همگانی بر شکل دادن به زیبایی در قالب نظامی شهری بوده است.

سؤالات و روش تحقیق

در این مقاله کوشش خواهد شد تا با بهره‌گیری از روش استدلال منطقی و استنباط برخی مفاهیم، با مراجعه به منابع اسنادی و با نگاهی تطبیقی، به این سؤالات پاسخ داده شود: مفهوم و مراتب زیبایی از منظر حکمت اسلامی چیست؟ جریان زیباسازی در شهر سنتی اسلامی چگونه بوده است و اکنون در چه وضعیتی است؟ عوامل مؤثر در ادراک زیبایی کدام‌اند و فرآیند زیبایی‌آفرینی انسان در قالب شهر زیبای اسلامی باید چگونه باشد؟ این کوشش، گام آغازینی بر بازتعریف جریان زیباسازی شهری در شهرهای اسلامی خواهد بود.

۱- زیبایی و مفاهیم آن

بر اساس تعریف اندیشه‌وران لغت، زیبایی عبارت است از: «خوبی و نیکویی، حسن و جمال، نظم و هماهنگی که همراه عظمت و پاکی در شیئی وجود دارد و عقل و تخیل و تمایلات عالی انسان را تحریک کند و لذت و انبساط پدید آورد»

(دهخدا، ۱۳۴۱، ج ۱۴: ۵۲۵ و معین، ۱۳۶۰، ج ۲: ۱۷۶۸). برخی بر این باورند که احساس زیبایی و نیاز به زیبایی ریشه در ماهیت زیستی و اجتماعی انسان دارد، و به همین دلیل لازمه سعادت و تعالی زندگی فردی و اجتماعی است. از این رو انسان همیشه و در همه جا به دنبال زیبایی و خلق زیبایی است. زیبایی زائیده حالت هم‌حسی و سازگاری عاطفی میان انسان و جهان است و لذا زیبایی نه صرفاً در جهان بیرون است و نه صرفاً در درون و روان انسان، بلکه برآیند تعامل دنیای برون و درون، یعنی جهان و انسان است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۵: ۹).

نگاهی که فلاسفه و حکما، به‌خصوص حکمای اسلامی به مسئله زیبایی و زیبایی‌خواهی دارند، بسیار دقیق و تبیین‌کننده‌تر از بسیاری تعاریف و نظریات است و در عین حال که سایر نظرات را مانع می‌شود به گونه‌ای جامع آن‌ها نیز محسوب می‌شود (نقره‌کار، ۱۳۸۷). نگاه فلاسفه و حکمای اسلامی به زیبایی و جمال از نظرگاه وجودی است. در این نگاه وجود دارای دو دسته کلی واجب‌الوجود و ممکن‌الوجود می‌شود. وجودهای ممکن خود دارای مراتبی هستند از عالم ماده و ملک تا عالم عقول مجرد. علت و معلولها به صورت سلسله‌مراتبی هستند که از عوالم بالای هستی نزول میکنند و به عالم مادیات می‌رسند و لذا برای رسیدن به مبدأ نیز همین سلسله‌مراتب باید پیموده شود تا به علت‌العلل رسید. از دیدگاه ملاصدرا بین مادیات و غیر مادیات یا مجردات رابطهای مودت‌آمیز است، زیرا غیر مادیها کاملترند و از آنجا که هر معلول به علت خود نیازمند است و از آن مایه می‌گیرد؛ لذا به آن عشق می‌ورزد و واسطه و جاذبه این عشق زیبایی است. پس علتها چون منشأ وجود و سبب هستی هستند دارای جمال نیز میباشند و هر چه علت کاملتر و بالاتر باشد، دارای درجه وجودی قویتر و در نتیجه زیبایی و دلفریبی بیشتر است (خامنه‌ای، ۱۳۷۲: ۳). هر چیزی در جایگاه وجودی خود زیباست، ابن‌سینا نیز بر این عقیده است که زیبایی و شکوه هر چیزی عبارت است از اینکه به گونه‌ای باشد که باید باشد (عمار، ۱۳۸۱: ۱۵)؛ اما وقتی این وجود در قیاس با وجودهای برتر قرار می‌گیرد زشت می‌نماید و آن وجود برتر زیبا جلوه می‌کند. امام

خمینی (ره) در تعریف زیبایی می‌فرماید: «زیبایی یعنی وجود به نسبت قوت آن» (خمینی، ۱۳۷۴: ۵۶). «بر این اساس مفهوم زیبایی سراسر عالم وجود را پر کرده است و مفهوم زشتی در عوالم وجود در مقایسه دو وجود قوی‌تر و ضعیف‌تر یا عالی‌تر و مادون‌تر مطرح می‌شود» (نقره‌کار، ۱۳۹۳: ۴۷).

حکما و فلاسفه بر این باورند که همه موجودات و از جمله انسان به سوی برتر آمدن وجود و رسیدن به نقطه غایی خویش یعنی کمال در حرکت‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۳۹۶). علامه طباطبایی کمال‌خواهی را نه تنها ذاتی انسان می‌داند بلکه آن را تکوینی تمام اشیا می‌شناسد (موسوی مقدم و علی زمانی، ۱۳۹۰: ۶۳)؛ بنابراین بنا به فطرت کمال‌جوی انسان، انسان به وجودهای برتر و هر آن چه به برتر آمدن وجودش کمک می‌کند عشق می‌ورزد و واسطه این عشق زیبایی و زیبایی‌خواهی است، به بیان دیگر کمال‌جویی انسان است که به زیبایی جویی منتج می‌شود. بر این مبنا است که علامه جعفری زیبایی را نمودی نگارین و شفاف بر روی کمال می‌داند که عبارت است از قرار گرفتن یک موضوع بر مجرای بایستگی‌ها و شایستگی‌های مربوط به خود (جعفری، ۱۳۷۵: ۲۴۸).

از این تعابیر می‌توان این گونه برداشت کرد که زیبایی‌ها در سطح هستی یک‌بعدی نبوده و برحسب مراتب وجود از سطح به عمق، انواع دارد و از زیبایی‌های مادی تا زیبایی‌های معقول و زیبایی‌های ملکوتی و تا زیبایی‌های برتر، سیری از ظاهر به باطن و از مادی تا معنوی را می‌تواند شامل شود و برای ادراک آن متناسب با مرتبه زیبایی ابزارهای متفاوتی از حواس پنج‌گانه گرفته تا عقل و قلب و شهود به کار می‌آید.

اما این که زیباترین وجود و زیبای حقیقی چیست؟ از مقدمات فوق استیفا می‌گردد زیباترین وجود و زیبای حقیقی، کامل‌ترین وجود است، که قائم به ذات است و یگانه، تمام هستی از او مایه می‌گیرد و مبدأ و معاد تمام موجودات است. پس تمام وجودهای پایین‌تر و از جمله انسان مخلوق، شوق و عشق به این وجود مطلق دارند و او را زیباترین موجود می‌دانند و حرکت استکمالی آن‌ها به سوی اوست. به گفته سهروردی: «هر نور سافلی را نسبت به عالی، شوقی و عشقی بود. پس نورالانوار، به غیر خود عشق نورزد، زیرا کمالات او برای خود، ظاهر بود، و او از زیباترین چیزها بود، و ظهور او برای نفس خود شدیدترین است از هر ظهوری برای هر چیزی به قیاس به خود و

غیر خودش ... و در عالم، چیزی کامل تر و زیباتر از نورالانوار نبود» (سهروردی، ۱۳۶۶: ۲۴۶). شیخ اشراق همانند سایر حکما کمال و جمال را به نحو مطلق و اولاً و بالذات از آن واجب‌الوجود می‌داند و بدین جهت جمال مطلق را چنین تعریف می‌کند، «جمال چیز، آن است که کمال او که لایق او باشد او را حاصل بود. پس هیچ چیز را جمال چون جمال واجب‌الوجود نیست، زیرا کمال او بیرون از ذات او نیست و او بخشنده جمله کمالات است، پس جمال و کمال جمله او راست» (سهروردی، ۱۳۸۰: ۳۹).

زیبایی در اسلام و قرآن

از دیدگاه اسلامی، واجب‌الوجود کمال و زیبای مطلق همان ذات خداوند یگانه است. «از دیدگاه اسلام و قرآن سرچشمه همه چیز از خداست و پایان همه چیز نیز به سوی اوست ... او سرچشمه و پدیدآورنده همه حسن‌هاست و همه زیبایی‌های محسوس آفریده او هستند. همچنین سرچشمه همه حسن‌های نامحسوس و عقلی و قلبی نیز اوست. همه زیبایی‌های اخلاقی و رفتاری و شهودی نیز به او بازمی‌گردد» (رفیق‌دوست و شهاییان، ۱۳۸۷: ۱۴۷). بر این مبنا سرحد نهایی زیبایی، وجود لایزال الهی است. حرکت استکمالی و در حقیقت زیبایی خواهی انسان به عنوان اشرف مخلوقات به سوی این مظهر جمال و کمال است و هر آنچه به این حرکت و سیر کمک کند را زیبا می‌بیند.

در اسلام و قرآن وجود حضرت باری تعالی با صفات حسن و اسماء‌الحسنی معرفی می‌شود (اعراف، ۱۸۰)؛ که این اسما و صفات بالاترین درجه حسن و زیبایی هستند. خود خدا به واسطه اکمال وجودی و این اسما و صفات حسن، زیبای مطلق است و نتیجه قهری این مسئله آن است که هر آنچه خلق کند و هر آنچه از او به بنده و مخلوقش برسد زیباست؛ بنابراین از دیدگاه قرآن زیبایی از بالاترین لایه‌های هستی، یعنی اسما و صفات الهی تا پایین‌ترین سطوح آن یعنی عالم خاک کشیده شده است (مطیع، ۱۳۸۵: ۵). آیات قرآن و سخنان ائمه معصومین (ع) به خوبی جلوه‌هایی از این زیبایی و ویژگی‌های آن‌ها را تعریف و تبیین نموده‌اند.

اسلام برای زیبایی و زیبایی‌آفرینی ارزش والایی قائل است چراکه موجب خطوریط انسان به منشأ و مبدأ زیبایی می‌گردد، از این رو به کرات انسان را به انواع مراتب زیبایی متذکر می‌شود و او

را به اندیشه در آن‌ها فرامی‌خواند. مراتب و انواع مصداق‌های زیبایی که در قرآن و سخنان ائمه (ع) بدان‌ها اشاره شده است را می‌توان در دو دسته تفکیک نمود، اول زیبایی‌هایی که به عالم وجود، شامل واجب‌الوجود، یعنی خدا، و عالم ممکن‌الوجود، یعنی هستی، بازمی‌گردد و دوم زیبایی‌هایی که به برخی افعال نسبت داده می‌شود.

۱- زیبایی‌های عالم وجود

۱-۱- زیبایی‌های خداوند واجب‌الوجود

خداوند عالی‌ترین مرتبه زیبایی است که قرآن کریم زیبایی‌های او را با صد صفت حسن توصیف نموده است. در دعاهای مختلفی که از ائمه (ع) رسیده است زیبایی‌های خداوند به صورت‌های گوناگون بیان شده است، «سبحانَ مَنْ كَسِبَ الْبُهْجَةَ وَالْجَمَالَ (منزه است خدایی که لباس حسن و جمال به قامت خود آراسته)»؛ (قمی، ۱۳۸۵: ۸۳) و یا «أنتَ البهی فی جمالك (تویی پرربها در زیبایی خود)» (همان، ۸۹). و نیز در دعای جوشن کبیر که سراسر آن ذکر زیبایی‌های خداست، خداوند با نام‌هایی همچون «یا جمیل (ای زیبا)، یا ذَا الْفَخْرِ وَالْبَهَاءِ (ای صاحب فخر و زیبایی)، یا مَنْ لَهُ الْعِزَّةُ وَالْجَمَالَ یا مَنْ لَهُ الْقُدْرَةُ وَالْكَمَالَ (ای که عزت و زیبایی از آن اوست، ای که نیرو و کمال از آن اوست)، یا مَنْ لَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَى یا مَنْ لَهُ الصِّفَاتُ الْعُلْیَا (ای آن‌که عالی‌ترین مثال مخصوص اوست، ای آن‌که عالی‌ترین صفات مخصوص اوست)، یا مَنْ الْعِظَمَةُ بَهَاؤُهُ (ای آن‌که عظمت و بزرگی حسن و جمال او است)» (همان، ۲۰۷-۱۸۱) خوانده شده است. بروز و ظهور هر کدام از این صفات و اسماء‌الحسنی و مشاهده آن‌ها سبب بروز لذت و اشتیاق در انسان و تمایل به سمت مبدأ آن می‌گردد.

۱-۲- زیبایی‌های عالم ممکن‌الوجود و خلقت خداوند

هرآن‌چه مخلوق خداست چون از مبدأ زیبای مطلق آمده که هر چیز را در جایگاه وجودی خود به همان صورت که باید باشد خلق نموده است؛ لذا زیباست و هر کدام از درجه‌ای از زیبایی در قیاس با سایر وجودها برخوردارند. در تبیین زیبایی‌های عالم ممکن‌الوجود می‌توان زیبایی‌ها را در سه دسته بررسی و بیان نمود، اول زیبایی‌های خلقت انسان به‌عنوان اشرف مخلوقات، دوم زیبایی‌های عالم طبیعت و سوم زیبایی‌های جایگاه موعود برای بندگان صالح و مؤمنان یعنی بهشت.

۱-۲-۱- زیبایی‌های خلقت انسان

خداوند انسان را از روح خویش آفریده است (حجر، ۲۹). قدرت‌نمایی خداوند در خلق انسان به‌عنوان اشرف مخلوقات و مراحل مختلف خلقت او و زیبایی‌های وجودی او به حدی شگفت‌انگیز و حائز توجه است که خداوند پس از خلق انسان بر خود آفرین می‌فرستد (مؤمنون، ۱۴).

خداوند در سوره تین پس از چهار سوگند محکم می‌فرماید: «مسلماً ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم» (تین، ۴). آیت‌الله مکارم شیرازی در تفسیر این آیه می‌فرماید: «تقویم به معنی چیزی به صورت مناسب در آوردن، و نظام معتدل و کیفیت شایسته است، و گستردگی مفهوم آن، اشاره به این است که: خداوند انسان را از هر نظر موزون و شایسته آفرید، هم از نظر جسمی، و هم از نظر روحی و عقلی ... و آن قدر شایستگی‌ها به او بخشیده، که لایق خلعت: وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ (ما فرزندان آدم را کرامت و عظمت بخشیدیم) (اسراء، ۷۰) شده است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۲۷: ۱۶۵).

و در جایی دیگر از قرآن خداوند می‌فرماید: «شما را تصویر کرد، تصویری زیبا و دلپذیر» (تغابن، ۳ و غافر، ۶۴) آیت‌الله مکارم شیرازی در تفسیر این دو آیه می‌فرماید: «تعبیر به فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ هم صورت ظاهر را شامل می‌شود، و هم صورت باطن را، هم از نظر جسم، و هم از نظر جان، و به‌راستی، یک نظر اجمالی در آفرینش جسم و جان انسان، نشان می‌دهد: زیباترین پدیده عالم هستی او است، و خدا در آفرینش این موجود، قدرت‌نمایی عجیبی کرده و سنگ تمام گذارده است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۲۴: ۱۹۸)؛ بنابراین در خلقت انسان چه از لحاظ جسمی و فیزیکی و چه از لحاظ روانی و معنوی، شایستگی‌هایی وجود دارد که دقت در آن‌ها زیبایی‌هایی را متبادر می‌کند و سبب لذت، شوق و حظ می‌گردد.

۱-۲-۲- زیبایی‌های عالم طبیعت

خداوند طبیعت و دنیا و آنچه در آن است را بر اساس اندازه و نظم آفریده است (اعلی، ۲ و ۳) و این اندازه و نظم بخشی شامل مصادیقی چون تقارن، تباین، تناسب و... است. در قرآن کریم و سخنان امامان معصوم (ع) به زیبایی‌های خلقت آسمان و ستارگان، زیبایی‌های زمین، زیبایی‌های دریا، زیبایی‌های کوه‌ها، زیبایی‌های گیاهان و رنگ‌های مختلف موجود در طبیعت، زیبایی‌های

حیوانات و چهارپایان و... اشاره شده است. خداوند آسمان دنیا را به زیور ستارگان آراسته و در آن چراغ روشن خورشید و ماه تابان قرار داده است (صافات، ۶؛ فرقان، ۶۱ و ملک، ۵). زمین را گسترده و بر آن سبزه و گیاه باطراوت و شادی آفرین پهن نموده و زینت بخشیده و با آب باران از انواع مختلف میوه و گیاه در اشکال و رنگ‌های مختلف که دیدنشان سبب سرور و نشاط بیننده است خلق کرده؛ و بر زمین کوه‌هایی استوار و رنگارنگ قرار داده و از آنها نهرها و آبشارها جاری ساخته که موجب حیات‌اند، و راه‌هایی بر زمین پدیدار ساخته که سبب هدایت‌اند و باغ‌هایی آفریده که در زیبایی رنگ و حسن ظاهر و طراوت، بینندگان را غرق سرور می‌کنند (یونس، ۲۴؛ طه، ۵۳؛ رعد، ۴؛ زمر، ۲۱؛ نحل، ۱۳ و...). حضرت علی (ع) در توصیف زیبایی‌های زمین می‌فرماید: «خداوند به وسیله آن (آب باران) از زمین‌های خشک و بی‌گیاه، نباتات فراوانی رویانید و از دامنه کوه‌های کم‌گیاه، سبزه بسیار خارج ساخت و زمین به زیور باغ‌هایش غرق نشاط و شادی شد و با لباس نازک گلبرگها که بر خود پوشیده بود به ناز آمد، و از زینت و زیوری که از گردنبد گل‌های گوناگون یافته بود در وجد و شادی فرورفت» (نهج البلاغه، خطبه ۹۱ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۱۵۳). خداوند دریا را مسخر انسان ساخته و آن را وسیله ارتزاق او و استخراج زینت‌هایی که می‌پوشد قرار داده است (نحل، آیه ۱۴). حضرت امیر (ع) به زیبایی آفرینش برخی حیوانات و پرندگان اشاره می‌کند و می‌فرماید: «...خدا آنها (پرندگان) را با اشکال شگفت‌آوری از نظر صورت ظاهر پدید آورد... با قدرت دقیق و آفرینش لطیف خویش، پرندگان را به رنگ‌های گوناگونی رنگ آمیزی کرد. بعضی تنها یک رنگ دارند بی آن‌که رنگ دیگری با آن مخلوط باشد و بعضی آنها تمام بدنشان یک رنگ دارد؛ جز طوقی که رنگ دیگر بر دور گردنشان است...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۵ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۳۵۶ و ۳۶۷).

۱-۲-۳- زیبایی‌های بهشت جایگاه موعود برای بندگان صالح و مؤمنان

بهترین مظهر زیبایی و جمال، و جایگاه قدسی و کمال که بندگان صالح خداوند، بدان وعده داده شده‌اند بهشت برین است. باغ فردوسی که زیبایی‌هایش آن قدر بزرگ است که در فهم نیاید و برای تقریب به ذهن خداوند به هنگام وصف آن در قرآن به بیان مثال می‌پردازد. زیبایی‌های بهشت موعود اینچنین توصیف گشته است، سایه درختانش گسترده، بلند و کشیده است و نیز سایه‌سار آنها پایدار است (رعد، ۳۵). خانه‌های بهشتیان بر نهرهایی روان مشرف است و می‌فرماید:

«بوستان‌هایی که زیر درختانش نهرها جاری است» (نساء، ۱۲۲). بهشتیان خود را به زیورهای زرین بیاریند و لباس‌های سبز حریر و دیبا درپوشند و بر تخت‌ها تکیه زنند (کهف، ۳۱). حضرت علی (ع) در وصف بهشت و زیبایی‌هایش می‌فرماید: «هرگاه با چشم دل به آنچه از بهشت برای تو وصف می‌شود بنگری، روح از مواهبی که در این دنیا پدیدار گشته، از شهوات و لذات و زینتها و زیورهای خیره‌کننده‌اش صرف‌نظر خواهد کرد و فکرت در میان درختهایی که پیوسته شاخه‌هایش (با جنبش نسیم) به هم می‌خورند و ریشه‌هایش در دل تپه‌هایی از مشک بر ساحل نهرهای بهشتی فرو رفته، حیران می‌شود، (همچنین) هرگاه به خوشه‌هایی از لؤلؤ تر، که به شاخه‌های کوچک و بزرگ محکمش آویخته و پیدایش میوه‌های گوناگون که از درون غلافهای خود سر برون کرده، همان میوه‌هایی که به آسانی و مطابق دلخواه هر کس چیده می‌شود، نگاه کنی واله و حیران خواهی شد (اضافه بر این) میزبانان بهشتی از آن میهمانان در جلو قصرهای بهشتی با عسل‌های مصفا و شرابهای صاف که مستی نمی‌آورد پذیرایی می‌کنند (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۵ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۳۹۷).

۱-۳- زیبایی‌های برخی افعال و نیات

مسئله زیبایی و زیبایی‌آفرینی فقط منحصر به ابعاد و وجوه مادی و ظاهری نیست و در اسلام نیز فقط به زیبایی از جنبه ظاهری و زینت‌های قابل مشاهده تأکید نشده، بلکه زینت‌های معنوی، یعنی صفات پسندیده، ملکات اخلاقی و رفتارهای حسنه از جنبه‌های زیبایی برشمرده شده و بدان تأکید گشته است. تأکید به این زیبایی‌ها از آن جهت است «تا انسان را از زیبایی‌های ظاهری عبور دهد و او را به زیبایی‌های حیات معقول رهنمون گردد و در سیر تکاملی خویش به این وصف‌های زیبا دست یابد» (قاسمی، ۱۳۸۴: ۱۱۴).

از افعال و نیات متعددی در قرآن با عنوان زیبا و یا زیبایی‌آفرین یاد شده است، از جمله خداوند در قرآن به زیبایی ایمان اشاره می‌کند و می‌فرماید: «ولی خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دل‌هایتان زینت بخشیده...» (حجرات، ۷). منظور از محبوب و زیبا قرار دادن ایمان، این است که ایمان را به جمالی آراسته است که قلب‌های ایشان را به سوی خویش جذب می‌کند، به گونه‌ای که از عصیان و کفر و زشتی که در مقابل ایمان است دوری می‌گزینند (قاسمی، ۱۳۸۴: ۱۱۵).

عفو و بخشش از ارزش‌های والای اخلاقی است که خداوند در قرآن آن را به صفت زیبایی متصف می‌کند (حجر، ۸۵). بخشش زیبا به معنی عفو و گذشت بزرگوارانه و بدون مؤاخذه و سرزنش است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۱۱: ۱۴۶).

صبر و استقامت در برابر ناملایمات و سختی‌ها از زیبایی‌ها است تا جایی که خداوند در قرآن پیامبرش را در مقابل استهزا و اذیت‌هایی که بر او روا می‌شود به صبری زیبا دعوت می‌کند (معارج، ۵). منظور از صبر زیبا آن صبری است که انسان در برابر سخت‌ترین مشکلات و دشواری‌ها و حوادث هرگز پیمانۀ صبرش لبریز نمی‌گردد و سخنی که نشان‌دهنده ناسپاسی، کفران و بی‌تابی و جزع باشد بر زبان جاری نمی‌سازد، این چنین صبری صبر جمیل و یا صبر زیبا است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷ ج ۹: ۴۱۷).

دقت در مصداق‌های زیبایی که در قرآن و روایات بدان‌ها اشاره شده به‌خوبی گویای این است که آن‌ها زیبا هستند چون جلوه‌هایی از اسما و صفات حسن خداوند در عوالم مختلف هستند؛ لذا مخلوق الهی، علاوه بر آن که خود زیباست، به‌نوعی بیانگر و جلوه‌گاه زیبایی خالق خویش نیز هست. از این مصداق‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که درک مراتب بالای زیبایی و در رأس آن‌ها زیبایی‌های خداوند، با درک مراتب پایین آن امکان دارد. از دیدگاه قرآن «اولاً باید نگاه به مراتب پایین، نگاهی پر از شعور و تذکر و معرفت باشد، نه غفلت و هواپرستی، دوما عبور از دیدن این زیبایی‌ها و نماندن در مرتبه آن‌ها شرط دریافت مراتب بالاتر است، هرچند این زیبایی‌ها نیز چیزی جز مراتب نازل همان زیبایی برتر نیست» (مطیع، ۱۳۸۵: ۲۱۴)؛ لذا به‌گونه‌ای در دستیابی به زیبایی‌های برتر باید حرکتی جوهری داشت. نکته سوم که از مذاقه در این آیات و روایات حاصل می‌شود آن است که «زیبایی در قرآن به‌صورت نماد و نشانه مطرح شده است و زبان قرآن در فضای زیبایی، زبانی نشانه‌شناسی است» (همان: ۲۱۹). هدف قرآن از بیان این زیبایی‌ها و اشاره به آن‌ها شناساندن زیبایی‌های حقیقی در پرده‌ای مستور است که شوق و کشش انسان به کشف حقیقت را بیشتر می‌کند.

اسلام و تأکید بر زیبایی و زیبای آفرینی

اهمیتی که زیبایی و زیبای آفرینی در رهنمون انسان به سمت زیبای مطلق دارد سبب شده در جای جای قرآن به مسئله زیبایی و خلق زیبا اذعان شود و بر آن تأکید گردد. خداوند انسان را به بهره‌گیری صحیح از زیبایی‌های دنیا دعوت می‌کند و او را به بهشت برین، زیباترین جایگاه هستی وعده می‌دهد. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و دوست دارد که نمود نعمتش را در بنده‌اش ببیند» (الکلینی، ۱۳۶۵: ۴۳۸). اسلام بر حفظ زیبایی تأکید دارد و از بینوانمایی و ناآراستگی اعلام انزجار می‌نماید و کسانی را که از زینت‌های دنیا بهره نمی‌برند و اقدام به بینوانمایی می‌نمایند، به شدت مورد عتاب قرار می‌دهد (اعراف، ۳۲). با توجه به این مطالب ضرورت توجه به زیبایی و خلق زیبای محرز می‌گردد.

انسان جانشین خداوند در زمین است، خلیفه الله است و لذا اعمال انسانی و از جمله زیبای آفرینی او بایستی به صفات فعل الهی و نوع زیبای آفرینی خدا متصف باشد و در جهت متجلی ساختن آن صفات شکل بگیرند و سوق‌دهنده به سوی اصل حقیقی باشند تا روح کمال‌گرای او را نیز اغنا کنند. پس در هر گونه زیبای آفرینی باید به دنبال خلق و جلوه دادن ویژگی‌ها و صفاتی باشد که یادآور حضرت احدیت و غایت خلقت است، که این عین زیبای است.

در این بین هر چیزی که انسان را از یاد خدا، صفات او و زیبای‌های او بازدارد و او را به درجات سفلی تنزل دهد، ضد زیبای و به تناسب دارای وجهی از زشتی است؛ اما گاه به لطایف‌الحیل و تمهیداتی، این زشتی‌ها تزئین می‌گردند و زیبا جلوه داده می‌شوند و سبب گمراهی و اغوای انسان و دوری او از اصل روحانی خویش می‌گردند، که این زیبای، زیبای شیطانی است. شیطان این گونه وعده داده است که: «گفت: پروردگارا! به سبب آنکه مرا گمراه ساختی، من (نعمت‌های مادی را) در زمین در نظر آنها جلوه می‌دهم، و به یقین همگی را گمراه خواهم ساخت» (حجر، ۳۹). در این عمل که در حقیقت نوعی زیانمایی و تزئین محسوب می‌شود، پدیده‌های زشت و منکر و صرف مادیات، رنگ و لعاب فریبنده می‌یابند و اصل جلوه می‌کنند. خداوند بر احتمال وقوع چنین عملی صحنه می‌گذارد و در آیه‌ای در وصف حال اهل جهنم در قیامت می‌گوید: «... اما شیطان اعمال آنها را در نظرشان آراست؛ و امروز او ولی و سرپرستان است؛ ...» (نحل، ۶۳). خداوند سرگرمی انسان به زینت‌های این دنیا، مانند مال و فرزندان و دل

سپردن به آن‌ها را مذموم می‌داند و به شدت از آن نهی می‌کند (کهف، ۷ و ۲۸)، چراکه توجه بیش از حد به آن‌ها می‌تواند انسان را از درک مراتب بالاتر زیبایی بازدارد؛ بنابراین در امر زیبایی‌آفرینی باید توجه داشت زیبایی‌های تصنعی، اغواکننده و منحرف‌کننده از مسیر تعالی، جای زیبایی‌های حقیقی را نگیرد.

شهر اسلامی و بهره‌مندی از زیبایی در شهر

«انسان در بطن قالب‌های مختلف زندگی می‌کند و برای نیل به سوی امر متعالی می‌باید در قالب‌هایی محاط گردد که طنین‌انداز الگوهای متعالی باشد» (لطفی و خورسند، ۱۳۹۲: ۷۶۷) و شهر به‌مثابه بارزترین این قالب‌ها و موجودیتی که انسان را در برمی‌گیرد و به‌عنوان بزرگ‌ترین مجموعه‌ها و آثار انسانی بر کره زمین که ظرف فعالیت‌های او هستند، باید جلوه‌های متنوعی از زیبایی را به انسان القا کنند و به همان نسبت که القای زیبایی در شهر و محیط بیشتر باشد، به همان نسبت می‌تواند به آرامش و سعادت و تعادل اهل خویش مدد رساند. توجه به امر زیبایی و زیبایی‌آفرینی به‌عنوان راه رسیدن به کمال حقیقی و تلاش برای تحقق آن در شهرها می‌تواند تحولی را در شکل‌گیری شهرهای اسلامی به‌عنوان شهر ایمان و عبادت‌پروردگار و فضای حیات طیبه سبب شود.

فرد مسلمان با اعتقاد به اینکه این دنیا و نعماتش موقتی است، زندگی می‌کند، اما به این مسئله نیز اعتقاد دارد که هر آنچه در این دنیا است و زیبایی‌های آن، جلوه‌ای از اصل روحانی و آن جهانی است و بیهودگی در آن راه ندارد. از طرفی یک مسلمان مؤمن به زندگی جاویدان بهشتی، به‌عنوان کامل‌ترین و زیباترین جایگاه زندگی، وعده داده شده و به آن اعتقاد دارد و در پی رسیدن به آن است. نعمت‌ها و زیبایی‌های دنیوی شمه‌ای از فضل بی‌کران الهی و نمودی از کمترین نعمت‌ها و زیبایی‌های بیکران و دائم بهشت است. در قرآن اشاره شده که بهشتیان وقتی از میوه و نعمت‌های بهشتی بهره می‌برند، بیان می‌کنند که پیش‌ازاین در دنیا این میوه و نعمت نصیبشان شده است (بقره، ۲۵). از آیات مختلف قرآن مستفاد می‌گردد که برای ورود به زندگی زیبای آخرت باید ابتدا مصادیق آن در این جهان تجلی یابد (نحل، ۹۷). دین اسلام قبل از آبادی جهان آخرت، این دنیا را آباد می‌کند. «دنیا قدمگاه و حاشیه بهشت است. باید پذیرفت که دنیای فقر، ظلمت،

زشتی، جهل، ظلم، نابسامانی، ذلت و ناامنی نمی‌تواند مقدمه آخرت و بهشت، زیبایی، عزت، امنیت و سعادت گردد» (صارمی و صارمی، ۱۳۹۰: ۱۰۶). پس بر مبنای این آموزه‌ها، اعتقاد یک مسلمان موحد بر این است که «اگر یکی از ویژگی‌های بهشت، زیبایی باشد، باید زمینه آن نعمت‌ها و زیبایی از این جهان شکل گیرد و سپس در آنجا به‌طور کامل محقق شود. فردی که در این جهان همه زندگی خود را بر زشتی بنیان نهاده است، نمی‌تواند منتظر بهشت پر از زیبایی باشد» (همان: ۱۰۵)؛ بنابراین مسلمان به دنبال آن است تا زیبایی را اول در این دنیا خلق کند؛ که یکی از جلوه‌گاه‌های آن بزرگترین ساخته و مصنوع او یعنی شهر است.

بیان شد انسان جانشین خدا بر زمین است و لذا صفات فعل او باید با صفات فعل الهی در یک راستا باشد. پس انسان، برای خلق زیبایی و نیز دستیابی به اصول ساخت شهر زیبای اسلامی، بنا به مفاهیمی که پیش‌ازاین تبیین شد باید به دو مقوله نگاه ویژه داشته باشد، که هر دو ریشه در کمال‌گرایی انسان و درک او از زیبایی حقیقی دارد: اول توجه به همان زیبایی‌های وجودی (زیبایی‌های واجب‌الوجود و ممکن‌الوجودها) و زیبایی‌های فعلی، که هر دو برگرفته از قرآن و روایات ائمه (ع) می‌باشد و از آن‌ها به آموزه‌های دینی زیبایی تعبیر می‌کنیم و دوم بازخوانی تجلی آن‌ها در شهرهای دوره اسلامی و خاصه شهرهای دوران آغازین اسلام به‌عنوان ظرف‌های اولیه بروز و ظهور آن صفات و ویژگی‌ها.

تجلیات کالبدی آموزه‌های دینی در شهرهای سنتی اسلامی

پیش‌ازاین به‌صورت مبسوط به ویژگی‌ها و کیفیات زیبایی‌های وجودی و فعلی پرداخته شد، در ادامه برای روشن‌تر شدن چگونگی کاربرست و تعمیم آن‌ها نگاهی به تجلیات کالبدی آن آموزه‌های دینی در شهرهای سنتی اسلامی خواهد شد.

با دقت در الگوها و آموزه‌های دینی که حس زیبایی آن‌ها از فطرت انسانی و روح کمال‌جوی انسان برمی‌خیزد، فرد مسلمان سعی می‌کرد جلوه‌ای از آنها را در مراتب مختلف زندگی خود پیاده کند: ترکیب حوض آبی‌رنگ و درخت در کنار تخت‌ها در حیاط خانه‌ها (شکل ۱)، ایجاد سابات، رواق، اشکال هندسی، مقرنس‌ها، لغازها و طره‌ها در سردر خانه‌ها (شکل ۲) ایجاد پیرنشین و

سکوه‌های سایه‌دار (شکل ۳) و کاشی‌هایی که جلوه‌ای از زیبایی‌های بهشت بودند تا عالی‌ترین درجه خلق زیبایی در مساجد (شکل ۴).



شکل ۲- نمونه‌ای از تزئینات و کاشی‌کاری سردر خانه‌های سنتی، شیراز، ایران



شکل ۱- نمونه‌ای از ترکیب حوض، درخت و تخت در خانه‌های سنتی، یزد، ایران



شکل ۴- جلوه عالی‌ترین درجه خلق زیبایی و تعالی کالبدی در طراحی مسجد، یزد، ایران



شکل ۳- نمونه‌ای از ایجاد سکو و پیرنشین سایه‌دار در ورودی خانه‌های سنتی، شیراز، ایران

استفاده از رنگ‌های زیبا و سرورآفرین و متعالی مانند سبز زمردی و آبی لاجوردی در کاشیهای سردر خانه‌ها و مساجد تا ایجاد باغ‌های سرسبز و زیبا. آنها با سنگ‌فرش خیابان‌ها و مسیرها هدف خلقت راه‌ها، یعنی هدایت را به نمایش گذاشتند و آسمان شهرشان را به زینت روشنایی چراغ‌ها آراستند. «در زمانی که شب‌ها حتی یک چراغ روشن در خیابان‌های شهر لندن وجود نداشت و در خیابان‌های شهر پاریس نیز حتی تا قرن‌ها بعد اثری از سنگ‌فرش به چشم نمی‌خورد، خیابان‌ها و معابر

شهرهای اسلامی شب‌ها روشن و اکثراً سنگ‌فرش شده بودند» (عبدالستار، ۱۳۷۶: ۱۹۴). رنگ سفید و روشن را برای نمای خانه‌هایشان انتخاب کردند که هم پاکیزه است و هم آرامش‌بخش و شادی‌آفرین. آنها حتی در زیباسازی مرکب خود نیز می‌کوشیدند، چراکه زینشان محسوب می‌شدند (نحل، ۸). آلودگی‌ها و صنایع و منابع تولیدکننده آن‌ها را از شهر خارج می‌کردند تا شهرشان پاک بماند و زیبایی‌هایش مخدوش نشود. خود را می‌آراستند تا ژولیدگی و بینوامایی، که مانع ورود به بهشت موعود و در وجهی دیگر زندگی در بهشت ساخته خودشان است، را از خود دور نمایند و با ملاقات یکدیگر کلامشان به هم سلام باشد و سلامتی (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۱۱۴، ۱۶۵ و ۱۶۶، یونس، ۱۰).

یکی از آموزه‌های نیکوی اسلام به همراه داشتن زینت هنگام عبادت و رفتن به مسجد است (اعراف، ۳۱). همین توصیه سبب شد مسلمانان روزی پنج بار خود را بیاریند و زینت کنند. البته این مسئله خود ابعاد دیگری می‌یابد. نماز مقدماتی دارد، که شروع آن با پاکیزگی و آراستن خویشتن است. سپس حرکت به سوی مکان عبادت، یا همان مسجد است. مسیر حرکت اعم از خیابان، کوچه و میدان، نیازمند تبعیت از اصول زیبایی است (صارمی و صارمی، ۱۳۹۰: ۱۰۵). وقتی توصیه این است که زیبایی را با خود به مسجد ببرید، پس خود مکان عبادت و مسجد به صورت اولی مشمول این قاعده می‌گردد و زیبا ساختن آن امری پسندیده می‌گردد؛ لذا زیباترین جلوه‌های خلق زیبایی در شهرهای سنتی اسلامی در مساجد قابل رؤیت هستند، زیبایی‌هایی که هیچ‌گاه در پی جلوه‌گری عیان مادی نیستند، بلکه اشاره و کنایه دارند به زیبایی‌های حقیقی عوالم روحانی و انسان را ترغیب به کشف مستورات درونی خود می‌کنند. از طرفی «مسجد مرکز و قلب شهر است و لذا با چنین تعریفی دستور زیبایی برای مسجد شامل همه شهر است؛ یعنی اینکه شمول این زیبایی نمی‌تواند خاص لباس و عطر و آرایش باشد، بلکه همه امور مرتبط با آن را در برمی‌گیرد» (همان: ۱۰۵).

همان‌گونه که پیش‌ازین اشاره شد مسئله زیبایی و زیبایی‌آفرینی فقط منحصر به ابعاد و وجوه ظاهری و کالبدی شهر و عناصر و اجزای آن نیست. پر واضح است، یکی از ارکان و وجوه اصلی هر شهر و نیز شهر اسلامی، وجه عملی و رفتاری آن است و آنچه در قالب برخوردها و تعاملات اهل شهر پدید می‌آید و نمود می‌یابد. رفتارهایی که در شهر رخ می‌دهد اگر متصف به صفات حسنه، رعایت حقوق متقابل، همنوع دوستی و محبت باشد، بی‌شک شهر در جلوه‌ای زیبا نمود خواهد کرد. «رفتارهای مناسب شهروندان در خرید، تفریح، کار، آموزش، مسکن‌سازی، حقوق متقابل شهروندی از

مصادیق زیبایی در شهر است» (همان: ۱۰۹) و آنچه این مسئله را مهم تر می سازد آن است که برای تمامی این موارد در آموزه های اسلامی و دینی، رهنمودها و بایسته هایی وجود دارد که تسری آن آموزه ها و رهنمودها در شئون مختلف رفتاری شهروندان، در شهرهای سنتی، زیبایی بی بدیلی به آنها بخشیده بود. در باب حقوق همسایگان و تعاملات اجتماعی، رعایت حرائم بصری و ارتفاعی، حق استفاده از معابر، پاکیزگی و پاکیزه نمودن شهر و فضاهای عمومی، خرید و فروش و معاملات، تفریح و سرگرمی، کار و کسب درآمد و... دستورات و بایسته های تربیتی فراوانی در منابع اسلامی وجود دارد که اگر امروزه در جامعه احیا شوند و به کار گرفته شوند رفتارهایی مبتنی بر آنها بروز یابند، این امر موجبات زیبایی شهر را فراهم می آورد.

با توجه به آنچه بیان گردید، زیبایی شهر در گذشته و شهرهای سنتی اسلامی امری از درون به بیرون بود، یعنی ابتدا حرکت استکمالی به سوی زیبای حقیقی در وجود مردمان نهادینه و هدف می گشت و لذا فرد زیبایی متعالی را در خود حس می کرد و بنا به توانایی اش، از یک کاشی آبی در سردر خانه اش تا زیباترین مساجد و بازارها و در رفتارش، آن را در زندگی و محیط زیستش تسری می داد و جلوه هایی از زیبایی حقیقی را به وجود می آورد و یا از تخریب زیبایی ها ممانعت می نمود و این عمل را بستری برای درک مراتب بالاتر زیبایی می دانست؛ لذا شهر، زیبا ساخته می شد و نه زیباسازی شده.

شرایط امروز

اما در شهرهای امروز نوعی زیبایی کاذب و ناخالص، بر زیبایی حقیقی غالب شده، و مفاهیمی چون بزرگ، تزئین و آرایش جایگزین زیبایی گردیده است. «با رواج تولید صنعتی و حمل و نقل ماشینی، بنیادهای زندگی اقتصادی و اجتماعی، به سرعت رو به تحول نهاده و ابعاد سکونت گاه ها، فعالیت و حرکت، مقیاس های فرا انسانی پیدا کرده است. این تحولات خصایل و سیمایی تازه به محیط زیست انسان ها بخشیده و یا تحمیل کرده» (مهدی زاده، ۱۳۸۵: ۱۲) و خود باعث ظهور افکار، ارزش ها و احساسات جدیدی شده است.

از سوی دیگر با دگرگونی در نیازها و ارزش ها و شیوه های زندگی از طریق مصرف فرهنگی، گسترش رسانه های تصویری، بسیاری از هنجارهای زیبایی شناختی عوض شده است. در توجیه این

رخداد عده‌ای موضوع سلیقه و نسبی بودن زیبایی را برجسته نموده‌اند و به این ترتیب زیبایی را در حد مد و برخی موضوعات ظاهری و مادی فرو می‌کاهند و به ارزش‌های معنوی اعتقاد ندارند. حال آن‌که آن زیبایی که برآمده از هویت و اعتقادات باشد، علقه و دلبستگی می‌آورد، آرامش می‌آورد و در نهایت تعالی؛ اما چه شده که امروز هرچه زیبایی‌های ظاهری افزایش می‌یابد، باز آرامشی حاصل نمی‌شود و احساس زیبایی درک نمی‌گردد؟ آیت‌الله جوادی آملی می‌گوید، اینان که زیبایی را در حد مد تقلیل می‌دهند، «متخیل بالفعل و عاقل بالقوه‌اند» (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۳)، چراکه بر مبنای خیال عمل نموده‌اند نه بر مبنای عقل سلیم، که زیبایی حقیقی را می‌پسندد و این می‌شود که نه تنها ادراک زیبایی از شهر رخ نمی‌دهد، چه بسیار تخریب زیبایی هم صورت می‌گیرد (شکل ۵) زیرا شهروندان امروز، زیبایی موجود را برآمده از درون خود و مأنوس با خود نمی‌بینند و آن را تصنعی و تزئینی (شکل ۶) درک می‌کنند و لذا نیاز زیبایی‌جویی آن‌ها اغنا نمی‌شود.



شکل ۶- نمونه‌ی زیباسازی‌های تصنعی، سطحی و ظاهری در شهرهای معاصر، شیراز، ایران



شکل ۵- نمونه‌ای از تخریب زیبایی و زشت نمودن شهر توسط شهروندان، شیراز، ایران

پس در این مسیر نیاز است به اصالت زیبایی و آنچه جوهره اعتقادی انسان بوده و با فطرت او عجین است، بازگشت نمود و به جای این که مسئولین شهری به زیباسازی تصنعی، ظاهری و زودگذر شهر پردازند (شکل‌های ۷ و ۸)، باید امر زیبا ساختن شهر و زیباسازی آن را دوباره به فرایندی از درون به بیرون، پویا و برآمده از وجود تک‌تک اعضای جامعه تبدیل کنند و از رهگذار باورهای دینی، اعتقادی و فرهنگی و نه قوانین خشک رسمی، مردم را به زیبا ساختن شهر خود ترغیب نمایند.



شکل ۸- عناصر تزئینی کم دوام و منفک از زمینه که صرفاً به صورت عامل تزئین ظاهری به کار رفته‌اند، شیراز، ایران



شکل ۷- عناصر [المان] فرمالیستی و فاقد عمق معنایی در «زیباسازی» شهر معاصر، شیراز، ایران

عوامل مؤثر در ادراک زیبایی شهر

از تطبیق آموزه‌های دینی و اعتقادی و انواع زیبایی‌های وجودی و فعلی با تجلیات آن‌ها در شهرهای سنتی اسلامی می‌توان عواملی را شناسایی نمود که این عوامل در ادراک زیبایی شهر و اغنای روح کمال‌جوی انسان و حس زیبایی‌جویی او نقش بسزایی دارند. بروز و ظهور این عوامل به‌خصوص در شهرهای سنتی، راز درک زیبا از آن شهرها محسوب می‌شود. با توجه به منابع دریافت اطلاعات انسان و با ملحوظ داشتن آرمان‌ها و ایده‌آل‌های انسان که از نوع جهان‌بینی و به‌خصوص آموزه‌های اعتقادی او سرچشمه می‌گیرند و با عنایت به مراتب ادراکات انسان، عوامل زیر به‌عنوان مهم‌ترین عوامل مؤثر در ادراک زیبایی محسوب می‌شوند. نکته حائز اهمیت در باب هر کدام از این عوامل آن است که در حقیقت هر کدام از عوامل درک زیبایی به‌نوعی تجلی یکی از صفات حسن واجب‌الوجود، همان زیبای مطلق هستند و این دلیل تأثیر آن‌ها در درک زیبایی است.

۱- وحدت و کلیت

در نگاهی دقیق به زیبایی‌های مختلف عالم خلقت علی‌رغم تنوع بی‌بدیل و کثرت زیبایی‌ها، اما همگی وحدتی بی‌مثال را به نمایش می‌گذارند و سیری از کثرت به وحدت را متجلی می‌سازند، وحدتی به سوی ذات واحد، زیباترین موجود. همه اجزاء و زیبایی‌های هستی در عین این که خود شخصیتی منحصر به فرد دارند باین حال در نظام کلی هستی در جایگاه دقیق خویش

قرار گرفته‌اند و با یکدیگر یک کل واحد را شکل داده‌اند. «ظهور وحدت در یک پدیده (اعم از وحدت بین اجزا آن و وحدت بین آن پدیده با سایر پدیده‌ها و با کل هستی) از مهمترین عواملی است که ظهور آن می‌تواند پدیده را به صفت زیبایی متصف گرداند» (نقی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۹۴). در شهرهای سنتی شهر برآمده از طبیعت بود، نه تحمیل شده بر آن، با آن در تعامل سازنده بود و جزئی تکمیل‌کننده به حساب می‌آمد. دیگر اینکه در خود شهر نیز، اجزای مختلف شهر از خانه گرفته تا خیابان‌ها و میدان، بازارها و مساجد، هیچ‌کدام بدون ربط و پیوستگی از هم نبودند و هرکدام در عین استقلال در یک پیوستگی معقول، کلیت و وحدتی را به نمایش می‌گذاشتند (شکل ۹). ولی شهرهای امروزی تکه‌تکه و ناپیوسته‌اند و به صورت یک کل واحد درک نمی‌شوند (شکل ۱۰). ارتباط آن‌ها با طبیعت نه تنها ارتباط یگانه‌تنی نیست که ارتباطی تخریب‌گرایانه است و نوعی نگاه چیره‌جویانه و تسلط‌طلبانه بر طبیعت دارند که این در تضاد با وحدت کلیه اجزای عالم هستی است.



شکل ۱۰- گسست فضایی، پراکنده رویی، پاشیدگی کالبدی و تکه‌تکه بودن شهرهای معاصر، شیراز، ایران

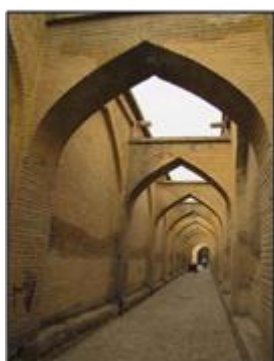


شکل ۹- انسجام، یکپارچگی و پیوستاری شهرهای تاریخی جلوه‌ای از ظهور وحدت، یزد، ایران

۲- تجرد

با توجه به لزوم بهره‌گیری از ماده و طبیعت و نمادها برای بیان و معرفی معنویات و بدون انکار اهمیت دنیا که بستر حرکت انسان به سمت کمال معنوی و محیط آماده شدن حضور در محضر خداست، لذا هر عمل انسان باید درجه‌ای از حرکت و گرایش از ماده به معنا را در خویش مستتر داشته باشد و هرچه قدر این حرکت و اشاره قوی‌تر و متعالی‌تر باشد می‌توان گفت اثر زیباتر است (همان: ۲۹۵). پس نمایش تجرد، معنویت و معنا جلوه‌ای از زیبایی است. شهرهای سنتی اسلامی پر

است از اشکال، احجام، فضاها و مکان‌هایی که این معنی را القا می‌کنند (شکل ۱۲). از نقوش کاشی سردر خانه‌ها گرفته که نمادی از زیبایی بهشت‌اند تا مسجد با گنبد و مناره‌های آن که نمادی از حضور انسان در زیر گنبد آسمان در محضر خداست (شکل ۱۱).



شکل ۱۲- طاق‌ها و قوس‌ها در شهرهای سنتی؛ جلوه‌ای از سیر در معنا و عروج، شیراز، ایران



شکل ۱۱- گنبد، عنصر مسلط در شهرهای سنتی و نمادی از تجرد و معنویت، شیراز، ایران

در شهرهای سنتی احجام و فرم‌ها انسان را به صرف تماشای خویش دعوت نمی‌کردند، انسان با نگریستن در آن‌ها معنایی از حقایق را درک می‌کرد و آن‌ها وسیله‌ای بودند برای شناساندن مفاهیم متعالی، اما شهرهای امروزی سرشارند از فرم‌ها، اشکال و احجام مجسمه‌واری که به خویش، به مثابه یک بت، فرامی‌خوانند و نگاه انسان را از عالم افلاک به عالم خاک محدود می‌کنند و او را بیشتر به عالم مادیات گره می‌زنند (شکل ۱۳).



شکل ۱۳- نمونه‌هایی از احجام و فرم‌های مجسمه‌وار و دعوت‌کننده به عالم ماده، مشهد و تهران، ایران
نشریات علمی دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)

۳- حیات، تازگی و طراوت

«یکی از اصلی‌ترین عوامل تعریف‌کننده زیبایی، وجود حیات است. به همین دلیل است که یک شاخه گل طبیعی از تصویر آن زیباتر است» (همان). حضور انسان و طبیعت در محیط‌های شهری خود منشأ سرزندگی و حیات است چون شهر واجد روح می‌شود. در شهرهای سنتی حضور انسان و طبیعت مانند آب، درخت و... به‌عنوان عناصر زنده و ذی‌حیات به محیط حیات و زندگی می‌بخشد (شکل ۱۴)، حتی احجام بی‌جان به دلیل معانی متعالی که در خود مستتر دارند و به سوی حی لایموت اشاره دارند، واجد حیات انگاشته می‌شوند.



شکل ۱۴- جلوه‌هایی از حضور طبیعت و طراوت در خانه‌های سنتی، شیراز، ایران

۴- تناسب‌مندی

برقراری تناسب در ابعاد مختلف بصری، فیزیکی و حتی کارکردی در امر زیبایی آفرینی بدان حد اهمیت می‌یابد که برخی زیبایی را وجود تناسب بین اجزاء یک پدیده می‌دانند. ارسطو معتقد است: صور اصلی زیبایی، نظم و همسازی و روشنی است (کاپلستون، ۱۳۶۸: ۲۹۱). وجود تناسب در اجزای کالبدی شهرهای سنتی اسلامی، از تناسب در مسکن تا تناسبات بصری و فیزیکی در خیابان‌ها و مساجد و... سبب ارتقای زیبایی و زیباساخت جلوه کردن شهر شده بود.

۵- بجایی در کاربرد رنگ

رنگ از جهات متعددی از قبیل حظ بصر و لذت ناظرین و ایجاد سرور و بهجت در آنان، هماهنگی با هویت و عملکرد پدیده و زمینه و... در تعریف و تفسیر زیبایی یک موضوع ایفای نقش می‌کند (نقی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۹۶) (شکل ۱۵). در شهرهای سنتی آنجا که نیاز به آرامش و سکون است، رنگ‌های سرد مثل سفید، آبی، سبز و... و آنجا که نیاز به شادی و سرزندگی است رنگ‌های گرم مثل زرد، قرمز و... استفاده می‌شود (شکل ۱۶). خانه محل آرامش است پس سفید است. مسجد محل آرامش روحانی و درعین حال نشاط معنوی است پس سبز زمردی و آبی لاجوردی و حتی زرد در آن به کار می‌رود. تک‌رنگ آبی کاشی سردر خانه‌ها در زمینه یک‌دست سفید یا نخودی می‌گوید خانه علاوه بر محل سکون بودن، محل تعالی است.



شکل ۱۶- نمونه‌ای از کاربرد رنگ در کاشی‌کاری‌ها و نماهای شهری



شکل ۱۵- نمونه‌ای از کاربرد نور و رنگ در مساجد تاریخی، شیراز

۶- حس مکان

وجود حس مکان و خاطرات جمعی و وجود احساس عاطفی و تعلق بین انسان و محیط، نقش بسیار مهمی دارد. در شهرهای سنتی غالب فضاها و مکان‌ها دارای عملکرد و نوع خاصی از فعالیت بودند، در حقیقت مفید بودند و وجودشان ظرف بروز بسیاری رفتارهای اجتماعی- فرهنگی- مذهبی بود، برای مثال درون آن‌ها تجمعات عزاداری محرم رخ می‌داد، ورزش‌های باستانی اجرا

می‌شد، محلی برای بازی کودکان بودند و... همین خاطرات و تصاویر ذهنی سبب بروز حس مکان می‌شد و در نظر مردم این مکان واجد زیبایی بود.

۶- کرامت انسان

توجه به کرامت انسان در فضا و عدم القای تسلط و تحقیر معنوی، روانی و جسمانی وی می‌تواند محیط را در نظر انسان زیبا جلوه دهد. درحالی که مقیاس‌های فرا انسانی فضاها و احجام شهری کنونی و سرعت‌های بالا و تضادهای اعتقادی و تبلیغاتی موجود در بسیاری شهرهای امروزی، کرامت انسان را خدشه‌دار می‌نمایند. شهرهای سنتی، با ابعاد انسانی خود، توجه به نیازهای مادی و معنوی شهروندان، کرامت انسانی را پاس می‌دارند و لذا انسان سلطه مصنوع بر خود را احساس نمی‌کند و شهر را زیبا می‌بیند.

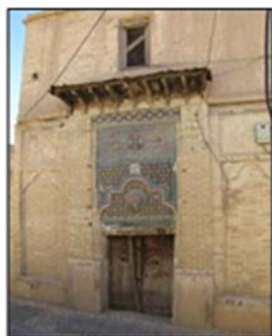
۷- پاسخ یافتگی نیازها

اگر محیطی با قابلیت‌های خود بتواند نیازهای انسان در ابعاد مختلف مادی و معنوی را پاسخ‌گو باشد و انسان با حضور در آن محیط احساس کند نیازش مرتفع می‌شود، قهراً چنین محیطی برای انسان زیبا جلوه می‌نماید. محیط‌های امروز برخلاف محیط‌های سنتی، بیشتر نیازهای مادی و زودگذر انسان را مرتفع می‌سازند و به نیازهای معنوی آنها کم‌توجه‌اند، درحالی که محیط‌های سنتی این دو نیاز را توأمان و در یک ارتباط متعادل برطرف می‌نمودند و این سبب زیبا شدن آن شهرها در ذهن شهروندان بود.

۸- آگاهی دادن

آن چیز که انسان را بیدار می‌کند، به او فراموش شده‌ای را تذکر می‌دهد، موجبات هدایتش را فراهم می‌کند و ارزش‌های والا را به او یادآور می‌شود و یا انسان را به آن‌ها آگاه می‌کند، برای انسان زیباست. این عامل آگاهی‌بخش و غفلت‌زدا می‌تواند محیط باشد، لذا این چنین محیطی برای انسان زیبا می‌شود. در شهرهای سنتی حتی کتیبه سردر خانه‌ها با یک جمله: «هو العلی العظیم» این کار را انجام می‌داد (شکل ۱۷) چه رسد به مناره‌های سر به آسمان ساییده و نقش‌ها و رنگ‌های

آکنده در شهر، حتی در بازارها به‌عنوان مادی‌ترین فضاها و اماکن شهری، نقوش و فرم‌هایی به کار می‌رفت که انسان را به فانی بودن این دنیا و لزوم توجه به سرای باقی متذکر می‌گردید (شکل ۱۸).



شکل ۱۸- جلوه‌ای از آگاهی‌بخشی و تذکردهی در
نماسازی خانه‌های سنتی و فرم‌های هندسی بازارهای
ایرانی، شیراز، ایران



شکل ۱۷- جلوه‌ای از آگاهی‌بخشی و تذکردهی در
نماسازی خانه‌های سنتی و فرم‌های هندسی بازارهای
ایرانی، شیراز، ایران

۱۰- بری بودن از صفات غیر کمالی

هر آن چیزی که از نقص و ضعف وجودی حکایت کند و صفات حسن را فرو بکاهد نوعی زشتی است. در شهرهای سنتی حتی‌الامکان از بروز و ظهور عناصری که حکایت از ضعف وجودی داشتند و یا صفات ناپسند را عرضه می‌کردند جلوگیری می‌شد و همین باعث زیبایی‌شان بود و لذا امروزه نیز اگر ساخت شهری زیبا مدنظر است باید از آنها اجتناب نمود. صفاتی چون غفلت، بطالت، عریانی، خودبینی، ناهماهنگی، اختلال، ناموزونی، آشفتگی، جهل، سردرگمی، خودستایی، غرور، اسراف، ظلم، ناامنی، لغو، فریب، شرک و... حکایت از ضعف وجودی دارند و از رذایل محسوب می‌شوند؛ لذا هر آن چیزی که متبادرکننده این صفات باشد بروز و ظهورش در شهر سبب درک زشتی و نازیبا شدن شهر می‌گردد.

نتیجه‌گیری

زیبایی نه تنها یکی از اصلی‌ترین موضوعات موردتوجه و جاذب انسان است که فراتر از آن به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین نیازهای انسان در همه قلمروهای زندگی‌اش ایفای نقش می‌کند. انسان

بنا بر سرشت کمال جوی خود در طلب زیبایی و خلق زیبایی است. یکی از اصلی ترین مصنوعات انسان شهر است که چون انسان در آن زندگی می کند و در قالب آن محاط گردیده، بر آن تأثیر می گذارد و متقابلاً از آن تأثیر می پذیرد؛ لذا اهمیت زیبایی و توجه به زیبا ساختن آن صدچندان می شود و در صورتی که این نیاز اساسی مرتفع نگردد سرچشمه بسیاری مشکلات برای انسان و بالطبع فاصله گرفتن او از سیر تکامل خواهد بود. طبق آموزه های اسلام زیبایی و زیبایی خواهی سرمنشأ فطری دارد. زیبایی واسطه عشق انسان به وجود کامل است و زیبایی خواهی طلب کمال کردن و تلاش برای برتر آمدن وجود است. از طرفی اسلام دنیا را نردبان آخرت قرار داده و ورود به بهترین منزلگاه های آخرت، منوط به عبور از این نردبان است و لذا برای ورود به زندگی زیبای آخرت ابتدا باید مصادیق آن در این جهان تجلی یابد و انسان در دستیابی به آن تلاش کند. از آنجایی که دین اسلام اساساً دینی شهری است، یکی از اصلی ترین تجلی گاه های این زیبایی، شهر است و از ملاک های شهر اصیل اسلامی زیبایی است؛ لذا اسلام مسلمانان را به زیبا ساختن و آراستگی شهرهای خود دعوت می کند و از هر گونه آلودگی و بینوایی نهی می نماید. البته اسلام آن دسته زیبایی هایی را تشویق و ترغیب می کند که ریشه در زیبایی حقیقی یعنی ذات احدیت دارند و موجبات اغنای روح کمال گرای انسان هستند و از زیانمایی های شیطانی و هر آن چه که سبب تعلق مادی به این دنیا و بی توجهی به آخرت و زیبایی های برتر می شود نیز نهی می کند. برای دستیابی به زیبایی حقیقی و زیبا ساختن شهر، توجه و ملاک عمل قرار دادن چند نکته ضروری است. اول اینکه، انسان به عنوان خلیفه خدا در زمین بایستی صفات فعلش در راستای صفات فعل الهی باشد، پس باید اول صفات و اسماء الحسنی الهی را بشناسد، از صفات خلقت خدا الهام بگیرد و از بارزترین نمودهای زیبایی الگوبرداری کند که در این میان پس از اسما و صفات حسن الهی، ویژگی های قابل حس و درک عالم طبیعت بکر و زیبایی های توصیف شده بهشت به عنوان زیباترین منزلگاه ها شاید بهترین نمونه ها باشند. این همان روشی است که پیشینیان ما در شهرهای سنتی اسلامی در جهت زیبا ساختن شهرهای خود در پیش گرفته اند. آنها با اعتقاد به جهان آخرت و در طلب رسیدن به بهشت موعود جلوه هایی از آن و گرده برداری هایی از طبیعت را در زمین و در شهر خود خلق نمودند که در عین برآورده نمودن نیاز زیبایی طلبی آنها، با فطرتشان نیز مأنوس بود و این همانی، راز زیبایی شهرهای سنتی است. ثانیاً زیبایی فقط در کالبد نیست و یکی از جلوه های

زیبایی نوع افعال و رفتارهایی است که از انسان بروز می‌کند. در گذشته پایبندی به ساختارها و ملاک‌های موردنظر اسلام از قبیل تقویت ایمان، صبر و گذشت، محبت، همנוعدوستی، تواضع، احترام به طبیعت و حقوق یکدیگر و... خود عاملی در جهت زیبا جلوه کردن شهر بود. دقت در این دو نکته نشان‌دهنده نوعی فرآیند از درون به بیرون است.

بنابراین برای رسیدن به شهری زیبا ساخت و نه زیباسازی شده نیاز است رجعت به اصالت‌های انسانی و الهی صورت پذیرد و مسئولین شهری در زیبا ساختن شهر اهتمام خود را بر احیای فرآیند از درون به بیرون و برآمده از آحاد شهروندان متمرکز نمایند و در جهت نیل به این مقصود دقت در الگوهای کهن و مصادیق زیبایی در شهرهای سنتی اسلام و ترغیب مردم به زیبا ساختن شهر به‌عنوان یک وظیفه دینی، اعتقادی و فرهنگی بسیار کارسازتر خواهد بود تا یک سری اقدامات سطحی، بی‌هویت و تحمیلی. با این تعابیر و تعاریف، فرآیند خلق زیبایی و زیبایی آفرینی انسان در قالب شهر زیبای اسلامی و عوامل ادراک زیبایی در شهر در قالب نمودار ۱ قابل‌ارائه است.

نمودار ۱- فرآیند خلق زیبایی و زیبایی آفرینی انسان در قالب شهر زیبای اسلامی و عوامل ادراک زیبایی در شهر



در خاتمه به چند نکته در زمینه زیبا ساختن و زیباسازی شهر تأکید می‌گردد که ملحوظ داشتن آنها در رسیدن به شهری زیبا که در یک وحدت کلی سوق‌دهنده انسان‌ها به سوی کمال باشد، می‌تواند مفید باشد:

- اجتناب از تسلط ارزش‌های مدگرایانه و نمودهای تصنعی تزئین و آرایش به‌عنوان غایت

زیبایی

- عدم تمرکز و بسندگی بر زیبایی ظاهری و مادی، و توأمان توجه بر زیبایی معنوی و کمال‌گرا در زیباسازی شهری و ساخت شهر زیبا توجه به زیبایی‌های برآمده از اصالت‌ها، هویت‌های ممدوح، فرهنگ، جهان‌بینی و بی‌شش جامعه (این امر سبب می‌گردد تا شهروندان بهتر بتوانند آن زیبایی‌ها را بازشناسند، در ذهن خود معنا دهند و با آن‌ها رابطه برقرار کنند).
- توجه به عوامل مؤثر در ادراک زیبایی شهری مثل وحدت، حیات، تناسب، به جایی در کاربرد رنگ، حس مکان، آگاهی‌دهندگی و... و زیبایی‌آفرینی بر مبنای آن‌ها

فهرست منابع

- قرآن کریم (ترجمه ناصر مکارم شیرازی). تهران و قم: دارالقرآن کریم دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی. نهج البلاغه (ترجمه علی شبروانی). تهران: دفتر نشر معارف.
- بمات، نجم الدین (۱۳۶۹). شهر اسلامی (ترجمه محمدحسین حلیمی و منیژه اسلامبولی) تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). ولایت فقیه و ولایت فقاقت و عدالت. قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱). مفاتیح الحیاة. قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲). ادب فنای مقربان. قم: مرکز نشر اسراء.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۵). زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام. تهران: نشر کرامت.
- خامنه‌ای، سید محمد (۱۳۷۲). هنر دینی. پایگاه اطلاع‌رسانی بنیاد حکمت اسلامی صدرا، بانک مقالات فلسفه هنر، <http://www.mullasadra.org>، قابل بازیابی از: ۱۳۹۳/۰۸/۱۸
- خمينی، روح‌الله (۱۳۷۴). شرح دعای سحر (ترجمه سید احمد فهري). تهران: انتشارات اطلاعات.
- دورانت، ویل (۱۳۶۵). تاریخ تمدن: یونان باستان. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- دورانت، ویل (۱۳۶۶). تاریخ تمدن: قیصر و مسیح. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۱). لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران.
- رفیقی‌دوست، رضا و شهبان، پویا (۱۳۸۷). درآمدی بر شناخت و جوه زیبایی در قرآن با تأکید بر تجلی جمال توحیدی در صفات شهر اسلامی. نشریه پژوهش دینی، شماره ۱۶، ۱۶۰-۱۳۹.
- سهروردی، شهاب‌الدین (۱۳۶۶). حکمت الاشراف (ترجمه جعفر سجادی). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- سهروردی، یحیی بن حبش (۱۳۸۰). مجموعه مصنفات شیخ اشراق (به تصحیح و مقدمه هانری کرین و دیگران). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- صارمی، حمیدرضا و صارمی، مسعود (۱۳۹۰). تحلیل جایگاه شهر و زیبایی در هنر اسلامی. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی - اسلامی، شماره ۴، ۱۱۱-۱۰۱.
- عبدالستار، عثمان محمد (۱۳۷۶). مدینه اسلامی (ترجمه علی چراغی). تهران: انتشارات امیرکبیر.
- عمار، محمد (۱۳۸۱). اسلام و هنرهای زیبا (ترجمه مجید احمدی). تهران: نشر احسان.
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۴). اسلام و زیبایی. دو ماهنامه رواق اندیشه، شماره ۴۱، ۱۲۶-۱۰۷.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۸۵). مفاتیح‌الجنان (ترجمه الهی قمشه‌ای). قم: انتشارات فاطمه الزهرا (س).
- کاپلستون، فردریک (۱۳۶۸). تاریخ فلسفه (ترجمه مجتبی). تهران: انتشارات سروش.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). الکافی. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- لطفی، سهند و خورسند، رامین (۱۳۹۲). بازخوانی اصول اجتماعی ساخت شهر در اسلام و تأویل کالبدی - فضایی آن در شهر و شهرسازی معاصر. مجموعه مقالات منتخب دومین همایش ملی معماری و شهرسازی نشریات علمی دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)

- اسلامی (از نظریه تا کاربرد در دنیای معاصر)، دفتر دوم شهرسازی اسلامی، انتشارات دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
- مامفورد، لوئیس (۱۳۸۷). شهر در بستر تاریخ (ترجمه احمد عظیمی بلوریان). تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- مطیع، مهدی (۱۳۸۵). مبانی زیبایی‌شناسی در قرآن، قرآن به‌مثابه نظریه‌پردازی زیبایی. فصلنامه هنر، شماره ۷۰، ۲۱۰-۲۲۱.
- معین، محمد (۱۳۶۰). فرهنگ فارسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۸). پیام امام امیرالمؤمنین (ع). تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- موسوی مقدم، سید رحمت‌الله و علی زمانی، امیرعباس (۱۳۹۰). ساحت‌های وجودی انسان از دیدگاه علامه طباطبایی. فصلنامه علمی- پژوهشی اندیشه نوین دینی، سال ۷، شماره ۲۷، ۵۳-۷۶.
- مهدی‌زاده، جواد (۱۳۸۵). زیبایی‌شناسی در طراحی شهری. نشریه جستارهای شهرسازی، شماره ۱۷ و ۱۸، ۸-۲۷.
- نقره‌کار، عبدالحمید (۱۳۸۷). درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی. تهران: انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی، دفتر معماری و طراحی شهری.
- نقره‌کار، عبدالحمید (۱۳۹۳). تعامل ادراکی انسان با ایده‌های فضایی- هندسی، در معماری. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۶). ادراک زیبایی و هویت شهر (در پرتو تفکر اسلامی). اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- Hall, Peter. (۲۰۰۲). Cities of Tomorrow: An Intellectual History of Urban Planning and Design in the Twentieth Century. London: Wiley-Blackwell.

